

خاطره‌سازی با نوآموزان

◀ مهدیه السادات ابطحي، معاون آموزشی پیش دبستان، ناحیه ۱

آموزش مجازی دغدغه‌ای برای معلم‌ها شد و به دنبال راه‌های خلاقانه برای ارتباط هرچه بیشتر نوآموزان با یکدیگر بودند. طرح‌های مختلفی اجرا شد، از جمله تبریک تولد نوآموزان در کانال مدرسه و کلاسی، یادآوری به نوآموزان برای تبریک تولد به دوستان‌شان، گفت‌وگو و خوش‌وبش نوآموزان با یکدیگر در ابتدای کلاس آنلاین و ... ولی باز وقتی پای درد دل معلم‌ها می‌نشستیم از کم حوصله‌گی و بی‌علاقه‌گی بعضی بچه‌ها و عدم ارتباط با دوستان‌شان در کلاس می‌گفتند. به هر حال با هدف ایجاد انگیزه‌ی بیشتر برای شرکت در کلاس آنلاین، برقراری ارتباط و شناخت بهتر نوآموزان با یکدیگر، مهارت دوست‌یابی، شناخت بیشتر مسئولین مدرسه، یکی از معلمین طرح خلاقانه‌ای اجرا کرد. در برنامه‌ی واتساپ یک کلاس آنلاین با حضور مسئولین مدرسه تشکیل شد و از خانواده‌ها درخواست شد رأس ساعت مشخص شده آنلاین شوند تا نوآموزان در مورد علائق خود و احساس‌شان نسبت به یکدیگر صحبت کنند. پس از خوش‌آمدگویی معلم، مدیر و معاونین به نوآموزان، معلم کلاس بریده فیلمی در مورد موضوعات مختلف ارسال کرد و از علائق خود گفت و عکس‌هایی از فعالیت موردعلاقه‌اش که

سخت و عجیب گذشت ساعت‌هایی که به قاب گوشی چشم دوختیم تا برای لحظاتی حضور بچه‌ها را کنار خود احساس کنیم. روزها از پی هم گذشت، معلم‌ها درگیر آموزش مجازی بودند و نوآموزان مشغول انجام تکالیف. همه چیز شکل دیگری به خود گرفته بود. آموزش مجازی به‌خوبی پیش می‌رفت و بعد از مدتی، روالی به نسبت عادی را طی می‌کرد، اما یک جای کار می‌لنگید و کمبودهایی احساس می‌شد. از در و دیوار مدرسه دل‌تنگی می‌بارید. مدت‌ها بود از هیاهو، شادی و قهقهه‌های کودکانه خبری نبود. دل‌مان برای صدای جیغ و بازی بچه‌ها تنگ شده بود، برای وقتی که دست در دست هم می‌چرخیدند و عمو زنجیرباف می‌خواندند و گوشه‌ای آن طرف‌تر دست‌های کوچکی که با شاخه‌های زیتون بازی می‌کرد با لحن شیرین می‌پرسید: «خانم این چه درختیه؟»

هر روز گوشه‌ای از این خاطرات در ذهن‌مان مرور شد و دل‌خوش کردیم به آمدن گاه و بی‌گاه بعضی نوآموزان برای رفع اشکال. این احوال فقط برای ما نبود، انگار بچه‌ها هم خسته و دل‌تنگ بودند. نیاز به یک انگیزه‌ای فراتر از آموزش برای آنلاین‌شدن داشتند. دوستی‌ها را کم داشتند. به‌مرور این احساسات در کنار





برای دیدار یکدیگر با حضور معلم و مدیر مدرسه قرار بگذارند. طرح متفاوتی هم در کلاس دیگری اجرا شد. معلم کلاس دیگری بچه‌ها را گروه‌بندی کرد و از آن‌ها خواست تا یک وسیله‌ی بازی با خود به مدرسه بیاورند. در حیاط مدرسه میز و صندلی چیده شد. بچه‌ها در ساعات مختلف به‌صورت گروهی به مدرسه آمدند و با هیجان عجیبی به استقبال هم رفتند، با هم بازی کردند، با مهربانی وسایل خود را به هم قرض دادند و نقاشی کردند. برق شادی در چشمان‌شان موج می‌زد که نشانه‌ی لبخند پنهان شده‌ی پشت ماسک‌های‌شان بود. نوآموزان در این لحظات، لذتی را تجربه کردند که سال‌های پیش برای ما و نوآموزان دیگر عادی بود. و این‌چنین با دیدن شادی و هیاهوی بچه‌ها، پایان سالی شیرین برای‌مان رقم خورد. ■

نقاشی و طراحی بود، فرستاد. بچه‌ها پس از سلام و احوال‌پرسی با معلم و دوستان خود، برای مدیر و معاونین پیام گذاشتند و ابراز علاقه کردند. سپس شروع به ارسال فیلم و عکس کردند، از اتاق و عروسک مورد علاقه خود، حیوان خانگی، سازی که می‌زدند و ورزشی که انجام می‌دادند. کم‌کم گفت‌وگوهای دوستانه شکل گرفت و با دیدن عکس و فیلم یک‌دیگر خوشحال شدند و با صدای خود ابراز علاقه کرده و شناخت بیشتری از هم پیدا کردند.

با توجه به بررسی معلم کلاس، بعد از این اردوی مجازی بچه‌ها با روحیه‌ی بهتر و شاداب‌تری در کلاس آنلاین شرکت می‌کردند و جوایز حال یک‌دیگر بودند. همین برنامه باعث شد که بعد از پایان سال تحصیلی، نوآموزان قدم دیگری بردارند و در پارک